

## محسن تنابنده

دیگر چهره شاخص این عرصه که در بازیگری هم توانایی‌های بسیار داشته و کارگردانی در سینما را هم تجربه کرده است، پنج‌گانه پایتخت مهم‌ترین کار او در فیلمنامه‌نویسی است که طراح اولیه آن بوده و نویسندگان دیگری همچون خشایار الوند و... به او در نگارش پایتخت‌ها کمک کرده‌اند. تنابنده در شخصیت‌پردازی عالی عمل کرده و شخصیت‌هایی را خلق کرده که پیش از این نمونه‌ای نداشته‌اند و در عین حال به شدت هم باورپذیر به نظر می‌رسند. نقی و ارسطو مهم‌ترین آنها به حساب می‌آیند که هریک مکمل دیگری بوده و شوخی‌های درخشانی را شکل می‌دهند. دیالوگ‌های مسلسل واری که برای این دو به خصوص نقی نوشته شده، به نقطه قوت پایتخت تبدیل شده و هویت و شناسنامه این مجموعه تلویزیونی پرتعداد محسوب می‌شود. البته او پیش از پایتخت نیز در سریال‌های پیامک از دیار باقی و چار دیواری نشان داده که کم‌دی را به خوبی می‌شناسد و به زوایای مختلف آن اشراف کامل دارد. به‌خصوص اولی که پر از شوخی‌های درخشان است که مخاطبانش را می‌خنداند.

## سعید نعمت‌ا...

یکی دیگر از فیلمنامه‌نویس‌های متفاوت تلویزیون که در نگارش فیلمنامه‌های خود به سبک و سیاق خاصی پایبند است و در تمام آثارش می‌توان ردپای آن را مشاهده کرد. تک‌گویی شخصیت‌ها و دیالوگ‌های گاه ثقیل که بعضاً به آثار سینمایی مسعود کیمیایی پهلوی می‌زند، از شاخصه‌های نوشته‌های حمید نعمت‌ا... به حساب می‌آید. از میان آثار او می‌توان به زیر هشت و میکائیل، هردو از ساخته‌های سیروس مقدم اشاره کرد که بهتر از بقیه از کار درآمد و برای مخاطب هم جذابیت‌های بیشتری داشته‌اند. به خصوص میکائیل که قهرمان آن افسر پلیسی است که تقابل او با رئیس باند خلافکارها به نام آقاخان، مرکز ثقل فیلمنامه آن به حساب می‌آید.

## حجت قاسم زاده اصل

دیگر فیلمنامه‌نویس مهم و تاثیرگذار تلویزیون که بیشتر به واسطه تله فیلم هایش شهرت دارد. او در نگارش دیالوگ‌ها و شیوه روایت روش خاص خود را دارد و به گونه‌ای عمل می‌کند که قصه و قهرمان‌هایش برای مخاطب ملموس و باورپذیر باشد. دو مجموعه تلویزیونی وی (۱۰۱) راه برای ذله کردن پدرموادها و یادآوری (هر یک در گونه‌ای متفاوت ساخته شده‌اند. اولی قصه‌ای فانتزی با محوریت چند نوجوان بلندپرواز است که شیرینی خاصی در آن به چشم می‌خورد و برای مخاطبان جوان تر تلویزیون مناسب‌تر به نظر می‌رسد. اما یادآوری مولودرامی تلخ و ماورایی با رگه‌های جنایی است که قصه خود را با ریتمی مناسب روایت کرده و تا آخر پیش می‌رود بدون آن که در میانه آن به نفس نفس زدن بیفتد. قاسم‌زاده در اینجا چند داستان را به موازات هم پیش برده و در یک نقطه آنها را به هم گره می‌زند. در عین حال یادآوری پر از شخصیت‌های متفاوت است که در کنار یا روبه‌روی هم قرار گرفته و داستان را پیش می‌برند. علی‌اعلائی و شیوا در قطب خیر و تیمور، نصرت و مراد در قطب شر از نمونه‌های خوب پرداخت شده یادآوری هستند که از تقابل آنها درام قدرتمندی شکل گرفته است.



## پیمان قاسم‌خانی

یکی از مهم‌ترین فیلمنامه‌نویس‌های پس از انقلاب که در کارش موفق بوده و تا جایی پیش رفته که تماشاگر با دیدن نام او بر پیشانی یک اثر نمایشی به تماشای آن می‌نشیند. پاورچین و شب‌های برره، شاخص‌ترین کار تلویزیونی دهه ۸۰ او در قاف کوچک به حساب می‌آیند که همچنان در بازپخش‌هایشان هم تماشاگران زیادی را پای تلویزیون می‌نشانند. او در پاورچین به کار بزرگی دست زده و با شناخت یک روستای خیالی به نام برره، شوخی‌های فوق‌العاده‌ای را خلق کرده بدون آن که نگران واکنش‌های احتمالی اهالی مکان و محل مشخصی باشد. در عین حال شخصیت‌هایی را خلق کرده که بسیاری از خصوصیاتشان برای مردم آشنا بوده و به خنده‌شان می‌اندازد. فرهاد و داوود شاخص‌ترین آنها به شمار می‌آیند که نقشی کلیدی در شوخی‌های نوشته شده توسط قاسم‌خانی و گروهش داشته‌اند. خلق دستور زبان برای اهالی برره و ابداع واژه‌هایی همچون پاچه‌خاری، دیگر نوآوری‌های این گروه در پاورچین است که بعدها در سریال شب‌های برره تکمیل شده و به اوج می‌رسد. قاسم‌خانی در سال‌های بعد نیز نقش مهمی در نگارش فیلمنامه چند مجموعه کم‌دی تلویزیونی همچون کمر بندها را بندیم، مرد هزار چهره و مرد دو هزار چهره و... داشت که البته هیچ‌کدام به کیفیت نقطه‌چین نرسیدند.

و عملاً آنها را در دو قطب خیر و شر قرار داده است که نمونه آن را در نرگس و شوکت مشاهده می‌کنیم. کیمیا، دیگر کار شاخص کارنامه نویسنده‌گی بهیچانی نیست که یک داستان اصلی جذاب با محوریت خانواده استوار پارسا دارد و داستانک‌های فراوانی حول محور آن قرار داده است. همچنین صد قسمتی بودن کار هم دست نویسنده را برای خلق داستانک‌ها و گسترش عرضی داستان باز گذاشته است.

## علیرضا طالب‌زاده

نویسنده فیلمنامه چند سریال موفق و محبوب تلویزیون همچون در پناه تو ساخته حمید لبخنده، دوران سرکشی به کارگردانی کمال تبریزی و صاحب‌دلان ساخته محمدحسین لطیفی که قلم خاص و متفاوتی دارد تا جایی که مخاطب بدون دیدن نام او بر پیشانی اثر پی به نام نویسنده آن می‌برد. اولی عاشقانه‌ای است که شخصیت‌های محوری‌اش را چند دانشجوی هنر تشکیل می‌دهند و به نوعی زندگی‌شان به یکدیگر گره می‌خورد. طالب‌زاده برای نخستین‌بار وارد زندگی خصوصی چند دانشجوی جوان شده و چیزی را به تصویر کشیده که مخاطب از نزدیک شاهد آن بوده است. به‌خصوص سکانس‌های مربوط به دانشگاه که باورپذیری خوبی در آن موج می‌زند. طالب‌زاده در پرداخت شخصیت‌ها محمد منصوری و مریم ریزه‌کاری‌های زیادی به خرج داده و بخش مهمی از درام را براساس این دو شکل داده است که رامین یوسفی آن را کامل می‌کند. دوران سرکشی هم سریال شخصیت‌محور پیچیده و جذابی است که در راس آن دختری جوان به نام روناک قرار دارد. طالب‌زاده در این مجموعه تلویزیونی دست مخاطبان خود را گرفته و در هزارتوی زندگی تلخ روناک به حرکت درآورده و شخصیت متلاطم او را برایشان توضیح می‌دهد. رابطه روناک و زن جوان مددکار اجتماعی هم عالی از کار درآمد که موتور حرکت سریال به حساب می‌آید. دوران سرکشی در عین حال سرشار از شخصیت‌های مکمل درخشان است که نمونه آن را می‌توان در عمومی روناک و پسرعمویش مشاهده کرد. صاحب‌دلان که هنگام پخش در ماه مبارک رمضان به سریالی خیابان خلوت‌کن شهرت پیدا کرد، بخش مهمی از قوت خود را از فیلمنامه طالب‌زاده اخذ کرده که نگاه دینی تاثیرگذاری در متن و زیرمتن آن به چشم می‌خورد. برخورد خلیل با برادرش جلیل مخاطب را به یاد رویارویی حضرت موسی با فرعون انداخته و در چاه انداخته شدن دینا به دست عمویش هم آنها را به یاد داستان قرآنی حضرت یوسف می‌اندازد.

## علی اکبر محلوچیان

یکی دیگر از فیلمنامه‌نویس‌های شناخته شده تلویزیون است که از دهه ۷۰ شروع به کار کرده و چند اثر شاخص همچون باغ گیلان، پدر سالار و زیر تیغ در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. پدرسالار ساخته زنده‌یاد اکبر خواجویی یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های دهه ۷۰ محسوب می‌شود که داستان ساده و آشنای خود را در قالب مولودرام روایت کرده و زندگی خانواده‌ای را به تصویر کشیده که یک اتفاق، آرامش آن را به هم می‌زند و به آشوب می‌کشاند. محلوچیان در اینجا

به‌خوبی روی سنت‌های یک خانواده قدیمی مانور داده و دست روی نقاط ضعف آن گذاشته است. وی در خلق شخصیت اصلی کار (اسدا... واعظیان) نیز دقت زیادی به خرج داده و تیپ - شخصیت درخشانی را خلق کرده که به‌ندرت به نمونه همپای آن برمی‌خوریم. در نقطه مقابلش هم خواهر همسرش قرار دارد که کینه‌ای قدیمی از او به دل داشته و منتظر زمین خوردنش است. محلوچیان در فضا سازی هم موفق نشان داده و از این طریق میزان باورپذیری قصه‌اش را دو چندان کرده است. اما بهترین کار تلویزیونی محلوچیان بدون شک سریال زیر تیغ، ساخته محمدرضا هنرمند است که درامی تلخ و تکان‌دهنده بشمار می‌آید. داستان اوس محمود، کارگر حلال‌خوری که طی یک اتفاق دوست و رفیق قدیمی‌اش، جعفر را به قتل رسانده و حال زیر تیغ قرار گرفته است. محلوچیان در سکانس‌های پس از قتل جعفر به دست محمود، فضایی را خلق کرده که مخاطب در کنار محمود و عذاب وجدان خفه‌کننده‌اش قرار بگیرد. او با این روش، مخاطب را بیش از پیش به قهرمان خود نزدیک کرده و در عین حال غم غریبی را منتقل می‌کند. زیر تیغ دارای یکی از بهترین پایان‌بندی‌هاست که تلخی و شیرینی را توأمان با هم دارد و ذهن مخاطب را تا مدتی به خود مشغول نگه می‌دارد.